

مکزیکوسیتی، شهری دور از انتظار



واقعتهای قاره آمریکا باز هم دشوارتر شده تا گویی بر سرگشتگی و شگفتی آن چشم اندازهای دور از انتظار، بهت و حیرت جهان دور از انتظار دیگری نیز افزوده شده باشد.

بدون شک، تأثیر حیرت آور مکزیکوسیتی چنان بوده است که پرنال دیاس دل کاستیلو، قانع و وقایعنگار را واداشت تا برای روایت آنچه دیده بود به تشبیه‌هایی از ادبیات تخیلی یا دنیای مبهم رؤیاها متوسل شود. او می‌نویسد: «وقتی آن همه شهر و تصبه را دیدیم که بر روی آب و زمینهای سخت بنا شده بودند و آن جاده مستقیم و هموار را که به مکزیکوسیتی منتهی می‌شد، قلعه‌های بلند و سعبدها و بناهایی را دیدیم که از وسط آب سر بر آورده بودند و از سنگ و آهک ساخته شده بودند، شگفت‌زده شدیم و گفتیم که اینها همانند چیزهای سحرامیزی هستند که در کتاب آمادیس حکایت شده است و حتی بعضی از سربازها از خودشان می‌پرسیدند که آیا آنچه می‌بینند خواب و رؤیا نیست...»

مکزیکوسیتی بر ویرانه‌های تئوتیواتلان، پایتخت قدیمی آژنکا قرار دارد.
عکس بالا: نقاشی مداسوی از این شهر است که هر حوزة شهر نگهداری می‌شود.

شهر نیز بسیار هفتی‌تر از قنایه است...
با مشاهده این شهرهای با شکوه، دید فاتحان مکزیک نسبت به جهان و ساکنان آن و غایت نهایی خلقت متزلزل شد. اروپاییها در مواجهه با انسانهای بدوی عبریان که در جنگلهای استوایی بی‌بناهای پراکنده بودند، مشکلی پیدا نمی‌کردند و به راحتی می‌توانستند آنها را در چهارچوب درک خود از انسانیت جای دهند. کما در مورد این شهرهای عظیم و شبکه مترکّم شهری که استخوانبندی ملتی با بیش از بیست میلیون جمعیت را تشکیل می‌داد، چه کاری می‌توانستند بکنند؟ زیرا این جهان تازه به راستی جهانی دور از انتظار بود و این شاید از آنرو بود که وجود چنین جهانی در قالب درک آن زمان اروپاییها از سیاره زمین قابل پیش‌بینی نبود.

هنگامی که کورتس در آن روز مقرر، یعنی نهم نوامبر ۱۵۱۹، با قدم گذاشتن به شهر مکزیکوسیتی آن را «کشف کرده» درک

در اینکه مکزیکوسیتی بزرگترین شهر جهان در آن عصر بوده است جای هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای نبود. نام این شهر ملّین غریبی داشت و به نام مکانی شبیه بود که زاده خیال باشد، و اصوات اسوارآمیز زبان ناشناخته‌ای را تداعی می‌کرد.

اولین تأثیرات اروپاییها از دیدن شهر بزرگ سرخپوستان به‌زمانی برمی‌گردد که به‌شهر تلاسکالا پا گذاشتند و این مدتها پیش از کشف شهر مکزیکوسیتی بود. تازه‌واردان با شگفتی و تحسین به‌شهر می‌نگریستند و در همان حال با معیار قراردادن شهرهای اروپایی ملامت به محاسبه و ارزیابی مشغول بودند. هرنان کورتس، فاتح اسپانیایی، این شهر را چنین توصیف می‌کند:

«شهر تلاسکالا آنقدر بزرگ و تحسین برانگیز است که حتی اگر تمام آنچه را می‌توانم درباره آن بگویم، به‌زبان نیآورم، همان گفته‌های اندکم نیز تقریباً باور کورنی نیست، زیرا این شهر بسیار بزرگتر و مستحکمتر از شهر قنایه [در اسپانیا] است، با بناهایی به‌همان اندازه زیبا و جمعیتی که در زمان اشغال بسیار بیشتر از قنایه بود. امکانات آذوقه‌ای و مناعه‌ای این

بر گرفته از مکزیکوسیتی، شهری دور از انتظار، نوشته آریز بودو از کتاب: Dictionnaire, Chg Sicles de Rencontres avec les Arabes, Amsterdam, L'Asiaticum, 1980, 1981, 1982, Michel Paris, 1992.